



تطبيق، گامی برای استقرار حاکمیت شرکتی مؤثر

شکوه حسین آبادی*

چکیده

امروزه تطبیق از ارکان مهم را در ساختار نظام بانکی به شمار می‌رود. به‌رغم اهمیت روزافزون به‌ویژه با رفع تحریم‌ها، تطبیق در نظام بانکی کشور مغفول مانده است. تطبیق، از پایه‌های حاکمیت شرکتی است و لذا به‌منظور استقرار حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها، پیاده‌سازی تطبیق نقش اساسی دارد. تطبیق از نظر مفهومی رعایت قوانین، مقررات و اصول از جمله اصول اخلاقی است و به دو دسته کلی تطبیق مقرراتی و تطبیق جرائم مالی قابل تقسیم می‌باشد. برخی از موضوعات تطبیق به‌ویژه در زمینه جرائم مالی نظیر پولشویی و تحریم‌ها دارای ریسک بالایی می‌باشند و لذا عدم رعایت آن‌ها می‌تواند ضمانت اجرای سنگین نظیر لطمه به شهرت و جریمه‌های سنگین را به‌همراه داشته باشد. در دوره پسا تحریم که مراودات تجاری گسترش خواهد یافت، ریسک‌های مقرراتی و جرائم مالی نیز بالطبع بیشتر شده و لزوم مدیریت آن از طریق تطبیق افزایش می‌یابد. لذا پیاده‌سازی تطبیق در ساختار نظام بانک‌ها می‌تواند موجب کاهش ریسک تطبیق، تثبیت سلامت نظام بانکی و استقرار حاکمیت شرکتی مؤثر گردد.

واژگان کلیدی: ریسک تطبیق، جرائم مالی، پولشویی، تحریم، فرهنگ تطبیق، مسئولیت اجتماعی شرکتی.

مقدمه

حاکمیت شرکتی، تعیین کننده عملکرد صحیح بانکها و به ویژه نظام اقتصادی می باشد و از آنجا که بانکها به عنوان مهمترین واسطها بین سپرده گذاران و فعالیت های پشتیبان اقتصاد عمل می کنند، لذا حاکمیت شرکتی بانکها، نقش اساسی در حفظ ثبات نظام اقتصادی دارد.^۱ تطبیق^۲ از پایه های حاکمیت شرکتی و از مباحث مهم در عرصه بین المللی و به ویژه در زمینه مالی و پولی می باشد. تطبیق در دوره پساتحریم اهمیتی دو چندان یافته است. به رغم تأکید بر مسئله تطبیق در امور بانکی، ضعف مطالعاتی و اجرایی نسبت به این موضوع در نظام بانکی کشور وجود دارد. علت این امر به دو عامل باز می گردد. اول این که تطبیق خود موضوعی نوپا در عرصه بین المللی می باشد که در پی برخی بحران های مالی نظیر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی و به ویژه بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، شکلی مستقل در ساختار نظام بانکی و سایر مؤسسات مالی پیدا کرده است.

دومین دلیلی که موجب مغفول ماندن تطبیق در نظام بانکی شده است، مرتبط بودن آن به بحث حاکمیت شرکتی است. موضوع اخیر که از موضوعات ساختاری بنگاه های مالی است، هر چند سابقه بیشتری از تطبیق دارد لیکن در زمینه اجرا در مؤسسات مالی و بانکها پیشرفتی کند داشته است. بالطبع تطبیق نیز به عنوان یکی از پایه های حاکمیت شرکتی مجال پیشرفت متناسب با استانداردهای بین المللی را نداشته است.

لذا این تحقیق بر آن است تا با معرفی مفهوم و ساختار تطبیق تأثیر آن بر استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی را اثبات کرده و بدین ترتیب راهکارهای

^۱ اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال ۳، ۲۰۱۵

^۲ Compliance

لازم در زمینه تجدید و اصلاح ساختار نظام بانکی را پیشنهاد نماید. برای دستیابی به اهداف مذکور، ساختار این مقاله به شرح زیر طراحی شده است. برای اثبات این امر که تطبيق به عنوان گامی برای استقرار حاکمیت شرکتی می باشد، در ابتدا لازم است ارتباط این دو مفهوم تشریح گردد. لازمه تبیین این ارتباط معرفی حاکمیت شرکتی و اسناد مثبت ارتباط این دو مفهوم می باشد. پس از تبیین ارتباط، سؤالاتی که مطرح می گردد این است که اساساً مفهوم تطبيق چیست؟ نهادهای بین المللی چه تأثیری بر محیط مقرراتی و حیطه عملکرد تطبيق دارند؟ تطبيق چه موضوعاتی را در برمی گیرد؟ مسئولیت نهایی تطبيق بر عهده چه گروهی در بانک است؟ منظور از فرهنگ تطبيق چه می باشد؟ اهمیت تطبيق در نظام بانکی به ویژه در دوره پساتحریم چیست؟ و نهایتاً پس از اثبات رابطه تطبيق و حاکمیت شرکتی، راهکارهای لازم برای اصلاح ساختار نظام بانکی در این زمینه چه می باشد؟

۱- رابطه تطبيق و حاکمیت شرکتی

تطبيق، از پایه های حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی، مفهومی است که ابعاد مختلف اداره شرکت را در برمی گیرد. تعاریف متعددی از حاکمیت شرکتی ارائه شده است. طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ حاکمیت شرکتی عبارت است از «روابط میان مدیریت شرکت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. حاکمیت شرکتی همچنین چارچوب و ساختاری را ارائه می کند که از طریق آن اهداف شرکت، روش های دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می گردد. حاکمیت شرکتی مؤثر، انگیزه های مناسبی را

^۱ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

لازم به ذکر است این تعریف در قسمت تعاریف اصول حاکمیت شرکتی بال ۲۰۱۵ نیز به عنوان تعریف حاکمیت شرکتی، ملاک عمل قرار گرفته است.

برای هیأت مدیره و مدیریت شرکت فراهم می‌سازد تا از طریق آن اهدافی را دنبال نمایند که در راستای منافع شرکت و ذینفعان است و همچنین نظارت مؤثر بر عملکرد شرکت را تسهیل می‌کند. بدین ترتیب حاکمیت شرکتی مؤثر شرکت‌ها را به استفاده بهینه و کارآمد از منابع سوق می‌دهد.

از تجربیات حاصل از بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، تأکید بر اهمیت حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها می‌باشد. عواملی نظیر عدم نظارت یا نظارت ناکافی هیأت مدیره بر عملکرد بانک، عدم کفایت مدیریت ریسک از جمله ریسک تطبیق، ساختارهای پیچیده و عملکرد غیرشفاف بانک‌ها بیانگر شکست بانک‌ها در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مؤثر و نتیجتاً بحران مالی با ابعاد جهانی می‌باشد. در پی این بحران به‌منظور تأکید بر اهمیت حاکمیت شرکتی در حفظ ثبات بانک‌ها و به‌طور کلی شرکت‌ها و مؤسسات مالی، اقدامات متعددی از سوی نهادهای بین‌المللی صورت گرفت. کمیته نظارتی بال^۱ سند خود در زمینه حاکمیت شرکتی، حاوی اصول مهم در این زمینه را طی دو دوره در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ اصلاح نمود. سند راهنمای اخیر کمیته بال تحت عنوان «اصول حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها»^۲ شامل سیزده اصل می‌باشد. از این سیزده اصل، سه اصل اول درخصوص مسئولیت، صلاحیت و ترکیب، و ساختار عملکرد هیأت مدیره می‌باشد. اصل چهارم به موضوع هیأت عامل و یا مدیریت ارشد بانک اختصاص دارد. اصل پنجم مربوط به ساختار گروهی بانک است. اصول ششم، هفتم و هشتم مدیریت ریسک را بحث می‌کند. اصل نهم تحت عنوان تطبیق، اصل دهم حسابرسی داخلی، اصل یازدهم جبران خدمات، اصل دوازدهم، افشا و شفافیت و نهایتاً اصل سیزدهم نقش ناظران می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد، سند سال ۲۰۱۵ حاکمیت شرکتی

^۱ The Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)

^۲ Corporate governance principles for banks, Basel Committee on Banking Supervision, July 2015, <http://www.bis.org/bcbs/publ/d328.pdf>

کمیته بال، یکی از اصول یعنی اصل نهم را به تطبیق اختصاص داده است. شایان ذکر است از نوآوری‌های سند اخیر، اضافه نمودن تطبیق به‌عنوان اصل مستقل به اصول حاکمیت شرکتی است که در اصول اسناد قبلی مشاهده نمی‌شود. طبق اصل نهم اصول حاکمیت شرکتی بال «هیأت مدیره مسئول نظارت بر مدیریت ریسک تطبیق بانک می‌باشد. هیأت مدیره باید تطبیق را ایجاد کرده، سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی لازم برای شناسایی، ارزیابی، نظارت و گزارش‌دهی و ارائه مشاوره درخصوص ریسک تطبیق را تصویب نماید»^۱

بنابراین، اصل تطبیق از اصول حاکمیت شرکتی و همان‌طور که بیشتر توضیح داده خواهد شد، از مهمترین اصول است. به‌عبارت دیگر، عملکرد تطبیق مؤثر، نقش مستقیم بر پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها دارد. به‌منظور بررسی تأثیر تطبیق بر استقرار حاکمیت شرکتی لازم است معرفی کلی از واحد تطبیق و عملکرد آن در بانک‌ها ارائه گردد.

۲- مفهوم تطبیق

تطبیق، از مهمترین مفاهیم در نظام بانکی و به‌طور کلی عرصه اقتصادی در جهان است. سابقه این مفهوم در مؤسسات مالی به دهه شصت میلادی باز می‌گردد. پیش از آن امور مربوط به تطبیق قوانین و مقررات در واحد حقوقی سازمان مالی یا توسط وکلا و حقوقدانان خارج از آن سازمان انجام می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم با گسترش نوع و عرصه فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه پیدایش شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی، طبیعتاً مشکلات ناشی از آن فعالیت‌ها نیز پیچیده‌تر شدند. با پیچیده‌تر شدن مشکلات لزوم تدوین قواعد حقوقی پیشرفته‌تر و متناسب با فعالیت‌های اقتصادی روز بیش از پیش احساس می‌شد. نتیجه آن که

^۱ اصل ۹ اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال ۲۰۱۵

گسترش عرصه فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اهمیت و نقش شرکت‌های چند ملیتی، افزایش و تغییر نوع مسایل حقوقی مربوط و ایجاد قواعد حقوقی جدید در قالب قوانین و مقررات پیچیده‌تر نسبت به گذشته، جملگی ایجاد یک نهاد تخصصی را می‌طلبید. بدین ترتیب، نهاد تطبیق به‌صورت عملکردی تخصصی در بررسی و حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات مربوط در سازمان‌ها شکل گرفت. در دو برهه زمانی نقش تطبیق متحول و تبدیل به آنچه امروز تحت عنوان تطبیق می‌شناسیم گردیده است. برهه اول، سال ۲۰۰۱ میلادی و پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و به‌دنبال آن مبارزه با جرائم مالی نظیر تأمین مالی تروریسم، و برهه دوم سال ۲۰۰۸ میلادی و پس از بحران اقتصادی آن سال می‌باشد. این دو زمان، به‌ویژه بحران سال ۲۰۰۸، نقاط عطفی در افزایش نقش و اهمیت عملکرد تطبیق بوده است. به‌عبارت دیگر، آنچه بیش از پیش اهمیت تطبیق را نمایان نمود، تبعات سنگین بحران‌های بین‌المللی می‌باشد. به همین جهت، امروزه تطبیق از ارکان اساسی بانک‌ها و نهادهای مهم اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

کمیته بال، سندی را در زمینه تطبیق در سال ۲۰۰۵ میلادی منتشر نمود که از مهمترین اسناد و یگانه سند تخصصی در زمینه تطبیق بانک‌ها است که توسط نهادی بین‌المللی صادر شده است.^۱ طبق این سند، تطبیق به‌طور ضمنی، عبارت از مطابقت عملکرد بانک با قوانین، مقررات و استانداردها است که عدم رعایت آن می‌تواند منجر به ریسک تطبیق برای شرکت و سایر ذینفعان گردد. ریسک تطبیق، ریسک ناشی از عدم رعایت قوانین، مقررات و استانداردها است که ضمانت اجراهای حقوقی و مالی، مانند جریمه و یا خساراتی دیگر نظیر آسیب به شهرت و اعتبار بانک را به‌همراه دارد. بنابراین عملکرد اصلی تطبیق، کاهش ریسک تطبیق است.

^۱ سند کمیته بال، تطبیق و کارکرد تطبیق در بانک‌ها، ۲۰۰۵ Compliance and Compliance Functions in Banks

۳- نهادهای بین‌المللی مقرراتی

امروزه نهادهای بین‌المللی، نقش بسزایی در تنظیم روابط تجاری بین‌المللی و ایجاد یکپارچگی دارند. هر چند بسیاری از مقرراتی که نهادهای بین‌المللی تدوین می‌کنند جنبه الزام‌آور برای کشورها ندارد، لیکن اجرای آن‌ها در جامعه بین‌المللی غیرقابل اجتناب می‌باشد. این مقررات تحت عنوان حقوق نرم یا Soft Law می‌باشند و بیشتر جنبه توصیه‌ای و فاقد ضمانت اجرای حقوقی مستقیم هستند. مقررات و اسناد ارائه شده توسط این نهادها از چنان اهمیتی برخوردار است که به‌رغم نداشتن ضمانت اجرای حقوقی، عدم پیاده‌سازی و اجرای آن‌ها گاه حتی تبعاتی نظیر محدود کردن روابط با کشور ناقض و یا حتی منزوی ساختن آن را در پی دارد. نهادهای بین‌المللی را که در زمینه تدوین مقررات عمل می‌کنند می‌توان به دو دسته کلی منقسم نمود:

۱- **صنعت محور:** این دسته از نهادها ناظر به فعالیت صنعت خاص می‌باشد. به‌عنوان نمونه، بانک تسویه بین‌المللی، نهادی بین‌المللی و متمرکز بر فعالیت‌های صنعت بانکداری است.

۲- **موضوع محور:** نهادهای بین‌المللی در این دسته قرار دارند که فعالیت خود را محدود به موضوعی خاص می‌نمایند. گروه ویژه اقدام مالی، نمونه بارز نهاد بین‌المللی موضوع محور است که فعالیت آن به‌طور تخصصی متمرکز بر مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم می‌باشد. در زیر به برخی از نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات در زمینه تجارت بین‌المللی و مؤسسات مالی اشاره می‌گردد.

۳-۱- بانک تسویه بین‌المللی (Bank for International Settlements)

این بانک، از قدیمی‌ترین نهادهای مالی بین‌المللی است که در سال ۱۹۳۰ در شهر بال (بازل) سوییس تأسیس شد. بانک تسویه بین‌المللی دارای ۶۰ کشور

عضو می‌باشد که مجموعاً ۹۵ درصد تولید ناخالص جهان را تشکیل می‌دهند. این بانک نقش بانک مرکزی، بانک‌های مرکزی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، مشتریان بانک تسویه بین‌المللی عمدتاً بانک مرکزی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند و اشخاص اعم حقیقی و حقوقی مانند بانک‌ها نمی‌توانند مستقیماً در این بانک سپرده‌گذاری کرده یا استقراض نمایند. هدف این بانک، گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه ثبات پولی و مالی است و عمده فعالیت‌های آن عبارت است از:^۱

- تسهیل و ترویج همکاری بین بانک‌های مرکزی کشورها،
- مذاکره با سایر نهادهای مالی برای گسترش ثبات مالی،
- تحقیق و سیاست‌گذاری در زمینه ثبات مالی و پولی و
- عمل کردن به‌عنوان نماینده و معتمد در معاملات بانکی.

بانک تسویه بین‌المللی، دبیرخانه چند کمیته از جمله کمیته نظارت بانکی بال (Basel Committee on Banking Supervision (BCBS می‌باشد که در قسمت بعد به آن اشاره خواهد شد.

همچنین بانک تسویه بین‌المللی، دبیرخانه چند سازمان مستقل مالی بین‌المللی است. هیأت ثبات مالی (Financial Stability Board (FSB - مؤسسه بین‌المللی ناظران بیمه (International Association of Insurance Supervisors (IAIS - مؤسسه بین‌المللی بیمه‌گران سپرده‌ها (International Association of Deposit Insurers (IADI سازمان‌های مالی هستند که دبیرخانه آن‌ها در بانک تسویه بین‌المللی قرار دارد، هر چند این سازمان‌ها، به‌طور مستقیم، به بانک تسویه، گزارش نمی‌دهند.

۲-۳- کمیته نظارت بانکی بال (بازل) (The Basel Committee on Banking Supervision)
کمیته نظارت بانکی بال، از جمله کمیته‌هایی است که دبیرخانه آن در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی قرار دارد. این کمیته نهاد اولیه در استانداردسازی

^۱ <https://www.bis.org/about/index.htm>

مقررات احتیاطی بانک‌ها است که هدف آن افزایش سطح دانش نسبت به مسایل کلیدی نظارت بانکی و ارتقای کیفیت نظارت بانکی در جهان است.^۱ کمیته بال، نقش نظارتی بر بانک‌ها ندارد و صرفاً توصیه‌هایی صادر می‌کند که دارای ضمانت اجرای حقوقی نیز نمی‌باشد. لیکن کمیته بال نقش اساسی در تدوین مقررات احتیاطی و در نتیجه استانداردسازی و یکپارچه‌سازی نظام نظارتی بانک‌ها را دارد. بدین ترتیب که مقام‌های نظارتی نظام‌های بانکی داخلی از طریق اجرا و پیاده‌سازی توصیه‌های کمیته بال رویه‌های مشترکی را در راستای نظارت بانکی اتخاذ می‌کنند.

کمیته بال، اسناد مهمی را در زمینه نظارت بانکی صادر کرده است که عمدتاً حول محور اصول حاکمیت شرکتی می‌باشند:

- اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی مؤثر،
- چارچوبی برای سیستم‌های کنترل داخلی در بانک‌ها،
- مدیریت ریسک عملیاتی،
- تطبیق و عملکرد تطبیق در بانک‌ها و
- حاکمیت شرکتی در بانک‌ها.

در مجموعه توصیه‌های این کمیته اسناد بازل ۱-۲-۳، از جایگاه ویژه‌ای در مدیریت ریسک برخوردارند. بازل ۱ در سال ۱۹۸۸ میلادی تدوین و ارائه شد که عمده آن مربوط به ریسک اعتباری است. در سال ۲۰۰۴ میلادی، کمیته بال سند اول را بازنگری و ضمن تأکید بیشتر بر مدیریت ریسک و کفایت سرمایه در بانک‌ها سند بازل ۲ را ارائه نمود. پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، کمیته بال به دنبال اتخاذ تصمیماتی در راستای تقویت مقررات و نظارت و مدیریت ریسک سند بازل ۳ را در سال ۲۰۱۰ تدوین و در سال ۲۰۱۱ بازنگری نمود. این سند

^۱ <https://www.bis.org/bcbs/>

دارای سه محور: ۱- کفایت سرمایه، ۲- مدیریت ریسک و نظارت و استرس تست و ۳- افشاء می‌باشد.

شایان ذکر است تنها سند تخصصی در زمینه تطبیق در سال ۲۰۰۵ میلادی توسط کمیته بال ارائه شد. این سند موجز با زبانی روان مبانی و اصول اولیه تطبیق را تدوین کرده است.^۱

۳-۳- گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force (FATF))

گروه ویژه اقدام مالی سازمان بین‌الدولی که در سال ۱۹۸۹ توسط گروه ۷ (G7) برای مبارزه با جرم پولشویی تأسیس شد.^۲ در ابتدای تأسیس مقرر گردید مأموریت این گروه به صورت موقت و تا سال ۲۰۰۴ باشد. مأموریت دوره اول گروه ویژه تا سال ۲۰۱۲ و سپس تا سال ۲۰۲۰ تمدید گردید. در پی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، این نهاد فعالیت‌های خود را به مبارزه با تأمین مالی تروریسم گسترش داد. گروه ویژه اقدام مالی، تنها نهادی است که به صورت تخصصی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم فعالیت دارد. هدف گروه ویژه تنظیم استاندارد و تشویق به اجرای مؤثر اقدامات عملی حقوقی و مقرراتی برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و سایر جرایم مالی است که تمامیت نظام مالی بین‌المللی را تهدید می‌کنند. این نهاد در زمینه تنظیم مقررات و استانداردهای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی توصیه‌هایی را تدوین نموده است که اولین نسخه آن تحت عنوان توصیه‌های ۴۰گانه قریب به یک سال پس از تأسیس در سال ۱۹۹۰

^۱ Compliance and the Compliance Functions in Banks, April 2005, Basel Committee on Banking Supervisions

^۲ گروه ۷ متشکل از کشورهای کانادا، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آلمان، ژاپن و ایالات متحده می‌باشد. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، این گروه هفت کشور توسعه یافته اقتصادی هستند.

ارائه گردید. در سال ۲۰۰۱ پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، هشت توصیه در راستای مبارزه با تأمین مالی تروریسم صادر شد. در سال ۲۰۰۳، توصیه‌های مربوط به مبارزه با پولشویی بازنگری شد و در سال ۲۰۰۴، توصیه‌های دیگر به توصیه‌های قبلی اضافه گردید (۴۰+۹). در سال ۲۰۱۲، به‌منظور مبارزه با جرایم مالی دیگر که نظام مالی را تهدید می‌کنند از قبیل گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و فساد مالی گروه ویژه اقدام مالی توصیه‌های ۴۹ گانه را بازنگری اساسی کرده و ۹ توصیه مربوط به تأمین مالی تروریسم با مبارزه با پولشویی اقدام شد و نهایتاً سند اخیر این نهاد توصیه‌های ۴۰ گانه حاوی استانداردهای مربوط به جرایم مالی پولشویی تأمین مالی تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد.

۴-۳- گروه وولفسبرگ (The Wolfsberg Group)

گروه وولفسبرگ^۱، متشکل از یازده بانک عمده بین‌المللی است^۲ که با هدف جلوگیری از جرایم مالی مانند پولشویی و تأمین مالی تروریسم استانداردها و راهنمایی‌هایی را تدوین می‌کند.^۳ این گروه در سال ۱۹۹۹ تشکیل شد و نام خود را از محل تشکیل خود در شهر وولفسبرگ سوئیس^۴ اقتباس کرده است.

گروه وولفسبرگ، متون مهمی را در زمینه مبارزه با پولشویی و سایر جرائم مالی تدوین نموده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

- اصول مبارزه با پولشویی که در سال ۲۰۰۰ منتشر و سپس در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ اصلاح شده است،

^۱ <http://www.wolfsberg-principles.com/index.html>

^۲ Banco Santander, Bank of Tokyo-Mitsubishi UFJ, Barclays, Citigroup, Credit Suisse, Deutsche Bank, Goldman Sachs, HSBC, J.P. Morgan Chase, Société Générale, and UBS.

^۳ برای اطلاعات بیشتر درخصوص گروه وولفسبرگ مراجعه شود به:

<http://www.wolfsberg-principles.com/pdf/home/The-Wolfsberg-Group.pdf>

^۴ Château Wolfsberg

- بیانیه مقابله با تأمین مالی تروریسم ۲۰۰۲،
- اصول مربوط به روابط کارگزاری ۲۰۰۲،
- راهنما در خصوص دیدگاه مبتنی بر ریسک ۲۰۰۶ و
- راهنمای مربوط به فساد مالی ۲۰۱۱.

شایان ذکر است گروه وولفسبرگ در راستای مبارزه با پولشویی و بررسی وضعیت مشتری، نمونه پرسشنامه‌ای را طراحی نموده است که بیانگر سیاست و عملکرد بانک‌ها در زمینه مبارزه با پولشویی می‌باشد.^۱ در روابط کارگزاری بین بانک‌ها، از این پرسشنامه به‌عنوان ابزارهای شناسایی و بررسی وضعیت بانک مقابل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵-۳- صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund (IMF))

صندوق بین‌المللی پول، سازمانی متشکل از ۱۸۸ کشور است که در سال ۱۹۴۵ با اهداف زیر تشکیل شد:

- گسترش همکاری‌های اقتصادی،
- تضمین ثبات مالی،
- تسهیل تجارت بین‌الملل،
- ارتقای اشتغال،
- رشد اقتصادی پایدار و
- کاهش فقر در جهان.

صندوق به‌منظور دستیابی به اهداف پیشگفته به سه روش عمل می‌کند:

۱- نظارت،

^۱ برای دسترسی به نمونه پرسشنامه مبارزه با پولشویی وولفسبرگ مراجعه شود به:

۲- وام‌دهی،

۳- کمک و مشاوره.

۴- موضوعات تطبیق

تطبیق، طیف وسیعی از موضوعات را در برمی‌گیرد. جرایم مالی نظیر پولشویی، تأمین مالی تروریسم، کلاهبرداری، جعل، فساد مالی، فرار مالیاتی و تحریم‌های بین‌المللی از یک‌سو و مقرراتی نظیر مقررات مربوط به تضاد منافع، رابطه شرکت با مشتریان، سهامداران و به‌طور کلی ذینفعان، مانند کفایت سرمایه در چارچوب تطبیق جای دارند. به‌طور کلی، موضوعات تطبیق قابل تقسیم‌بندی در دو گروه هستند: موضوعات گروه اول تطبیق جرائم مالی و موضوعات گروه دوم تطبیق مقرراتی می‌باشند.

نظر به این که برخی موضوعات تطبیق جرائم مالی نظیر پولشویی و تأمین مالی تروریسم و تحریم‌ها، ریسک بالایی را برای بانک‌ها ایجاد می‌کند، گاه به‌طور تخصصی و مجزا از سایر موضوعات تطبیق رسیدگی می‌شوند؛ مانند اینکه در سازمان واحدهایی جدا از تطبیق برای امر مبارزه با پولشویی ایجاد می‌گردد. لازم به توضیح است اولاً تفکیک موضوعات تأثیری بر ماهیت آن‌ها و این که جزء مجموعه تطبیق می‌باشند نداشته و ثانیاً تفکیک معمولاً با توجه به نوع و گستردگی فعالیت‌های سازمان صورت می‌پذیرد. در بانک‌های بزرگ با فعالیت‌های گسترده ممکن است واحدهایی مجزا برای انجام امور تطبیق و مبارزه با پولشویی ایجاد شود، حال آن که در بانک‌های با فعالیت و شعب محدودتر امور تطبیق اعم از پولشویی و سایر موارد بر عهده یک واحد سازمانی قرار گیرد.

در زیر به برخی موضوعات مهم و روز بین‌المللی اشاره می‌گردد که عمدتاً زیرمجموعه تطبیق قرار می‌گیرند.

۴-۱- مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم

دو جرم مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم که به صورت معمول توأمان مطرح می‌شوند، از جمله جرائم مالی با ریسک بالا به‌ویژه برای بانک‌ها می‌باشد. در ادبیات بانکی و حقوقی این دو جرم به تفصیل بررسی شده و منابع بسیاری در این خصوص وجود دارد. همچنین نظر به جرم انگاری و تصویب قوانین و مقررات مربوط، بر اهمیت این دو جرم تأکید شده است. مستنداً به ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی «جرم پولشویی، عبارت است از:

الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به‌دست آمده باشد.

ب- تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به‌منظور پنهان کردن منشای غیرقانونی آن با علم به این که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.

ج- اخفاء یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.»

لازم به توضیح است قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به‌دنبال آن آیین‌نامه اجرایی این قانون در سال ۱۳۸۸ تصویب گردید. در خصوص موضوعات مختلف مرتبط مبتنی بر توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در سال ۱۳۸۹، دستورالعمل‌های مجزا از قبیل نحوه گزارش‌دهی معاملات مشکوک به تصویب شورای عالی مبارزه با پولشویی رسید.

مجلس شورای اسلامی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در سال ۱۳۹۴ تصویب نمود. ماده ۱ بیان می‌دارد:

«الف- ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران

ب- ارتکاب اعمال زیر با مقاصد مذکور در بند الف:

- ۱- خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی،
- ۲- ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها،
- ۳- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک) و
- ۴- تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات.

پ- ارتکاب اعمال زیر صرف‌نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله:

- ۱- اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی،
- ۲- تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن،
- ۳- ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران و خدمه هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در هواپیمای در حال پرواز،
- ۴- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی‌سازی و انفجار غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته‌ای به‌میزان غیرقابل توجه برای اهداف درمانی، علمی و صلح‌آمیز،

- ۵- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)،
- ۶- دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتیرانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن،
- ۷- تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت بار علیه افراد حاضر در آن‌ها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق و
- ۸- بمب‌گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی.
- ت- ارتکاب جرائمی که به موجب قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی جرم تروریستی شناخته شده؛ در صورت الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها»

۲-۴- تحریم‌ها

در بسیاری از نظام‌های بین‌المللی بانکی و به‌ویژه بانک‌های بزرگ، حصول اطمینان از رعایت مقررات تحریم‌های بین‌المللی، از فعالیت‌های مهم و اصلی تطبیق تلقی می‌شود. این امر ناشی از ریسک بالایی است که نقض تحریم‌های بین‌المللی به‌همراه دارد. به‌طور کلی، نظام‌های تحریم را می‌توان به دو گروه تحریم‌های مربوط به اشخاص و تحریم‌های مربوط به کالاها تقسیم نمود. در رابطه با تحریم‌های مربوط به اشخاص نظام‌های مختلفی از جمله شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و خزانه‌داری آمریکا، لیست‌هایی را از اشخاص مختلف صادر می‌کنند که نقض این تحریم‌ها ضمانت اجرایی نظیر جریمه‌های نقدی و تحریم نمودن شخص ناقض نظام تحریم را می‌تواند در پی داشته باشد.

در رابطه با کالاها، به‌طور کلی دو رویکرد کالا‌های تحریمی و کالا‌های با مصرف دوگانه وجود دارد. هدف از تحریم نمودن کالا‌های، ضربه زدن به کشور تحت تحریم می‌باشد. به‌عنوان نمونه، برای دوره‌ای نسبتاً طولانی صادرات نفت از ایران به اتحادیه اروپا تحریم بود. از سوی دیگر، فلسفه تعیین برخی کالاها تحت عنوان مصرف دوگانه، امکان به‌کار بردن این کالاها در مصارف عادی و نیز نظامی می‌باشد. به‌عنوان مثال، برخی از تجهیزات پزشکی دارای مصارف پزشکی و همچنین امکان استفاده در صنعت تولید سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد و لذا تحت عنوان کالای مصرف دوگانه تعیین می‌گردند.

۵- مسئولیت تطبیق

همان‌طور که در اصل اول اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال نیز تصریح شده است، هیأت مدیره مسئول نهایی عملکرد بانک می‌باشد. تطبیق به‌عنوان بازوی اجرایی و کمکی هیأت مدیره در خصوص ریسک تطبیق می‌باشد. به‌عبارت دیگر، تطبیق مسئول شناسایی ریسک‌های تطبیق، ارزیابی و نظارت بر آن‌ها و گزارش‌دهی و ارائه مشاوره در این زمینه به هیأت مدیره می‌باشد. هر چند این واحد مسئولیت‌های لازم در ایفای وظایف سازمانی خود را دارد، مسئولیت نهایی نقض قوانین، مقررات و استانداردها و ریسک‌هایی که از آن‌ها متوجه بانک می‌گردد نظیر خسارات مالی با هیأت مدیره می‌باشد. بنابراین، تطبیق از صدر سازمان به بطن و زیرمجموعه‌ها اشاعه می‌یابد.^۱ بدین معنی که رعایت قوانین، مقررات و استانداردها صرفاً تکلیف واحد تطبیق و مسئولان آن نمی‌باشد.

^۱ معادل اصطلاح "Tone at the top" که در اسناد کمیته بال، هم در خصوص حاکمیت شرکتی و هم تطبیق، تصریح شده است.

تطبیق باید بخشی از فرهنگ سازمان باشد؛ فرهنگی که از رأس سازمان یعنی هیأت مدیره، تا کل سازمان ترویج می‌گردد. مفهوم فرهنگ با مفاهیمی نظیر اصول اخلاقی پیوند خورده است. بدین معنی که صرف رعایت قوانین و مقررات و اکتفا به حداقل الزامات قانونی بدون توجه به اصول اخلاقی، نوعی تطبیق مصطلح به «تطبیق ماشینی»^۱ را ایجاد می‌کند که لزوماً نتایج مؤثری در استقرار حاکمیت شرکتی نخواهد داشت. نتایج مطلوب با تعهد کل سازمان به رعایت قوانین، مقررات و اصول حاصل می‌گردد. وظیفه تطبیق نیز شناسایی ریسک‌های تطبیق، اعمال کنترل و آموزش به سازمان در راستای رعایت می‌باشد.

علاوه بر رعایت قوانین، مقررات و اصول، مفهوم جدیدی تحت عنوان مسئولیت اجتماعی شرکتی به فرهنگ تطبیق مرتبط می‌شود که در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی نیز مؤثر می‌باشد. مسئولیت اجتماعی شرکتی، اقدامات داوطلبانه شرکت‌ها نسبت به پیامدهای اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی عملکرد آن‌ها را در بر می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی شرکتی در حقیقت گامی فراتر از صرف رعایت قوانین و مقررات و گسترش فرهنگ تطبیق به مسائل مهم اجتماعی و محیط زیستی است. برای مثال، فعالیت‌های خیریه و بشردوستانه شرکت‌ها و بانک‌ها در کنار فعالیت‌های اصلی و سودآوری، نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی شرکتی است.

۶- تطبیق و سایر واحدها

ارتباط تطبیق با سایر واحدها را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم نمود. تطبیق به منظور انجام امور خود ناگزیر به ارتباط با ناظران و قانونگذاران می‌باشد. همچنین در امور تخصصی نظیر حقوقی، استفاده از نظر حقوقدانان و وکلاء به پیشبرد بهینه امور تطبیق کمک می‌کند. علاوه بر ارتباط با ارکان خارجی، تطبیق با واحدهای داخلی نیز ارتباط دارد. هیأت مدیره، هیأت عامل و مدیریت

^۱ Mechanical compliance

ارشد و واحدهایی نظیر منابع انسانی، فناوری اطلاعات و حقوقی از جمله واحدها و ارکانی هستند که تطبيق با آنها ارتباط دارد. اما از جمله واحدهایی که تطبيق با آنها ارتباط تنگاتنگ دارد دو واحد دیگر حاکمیت شرکتی شامل حسابرسی داخلی و ریسک است. ضمن داشتن روابط نزدیک و مرزهای مشترک، واحدهای تطبيق، ریسک و حسابرسی داخلی تفاوت‌هایی دارند که بر لزوم ایجاد هر یک تأثیرگذار است.

تطبيق و ریسک:

طبق سند کمیته بال درخصوص تطبيق، بانک‌ها باید مدیریت ریسک تطبيق خود را منطبق با برنامه راهبردی طراحی نمایند. در این راستا، از آنجا که رابطه نزدیکی بین تطبيق و ریسک عملیاتی وجود دارد، ممکن است تطبيق به‌عنوان زیرمجموعه‌ای در مدیریت ریسک لحاظ شود. از سوی دیگر، ممکن است برخی بانک‌ها دو واحد مدیریت ریسک و تطبيق خود را تفکیک کرده و مجزا از یکدیگر طراحی نمایند.

عملکرد این دو واحد ضمن شباهت‌هایی که دارند، متفاوت و منفک می‌باشد. عملکرد تطبيق، مدیریت ریسک تطبيق است که پیشتر این مفهوم تبیین گردید. حال آنکه عملکرد ریسک مدیریت سایر ریسک‌ها نظیر ریسک بازار، اعتباری می‌باشد. بنابراین ریسک تطبيق به‌صورت تخصصی توسط تطبيق پوشش داده می‌شود.

تطبيق و حسابرسی داخلی:

ارتباط تطبيق و حسابرسی داخلی نیز نظیر ارتباط تطبيق و ریسک، نزدیک و مبتنی بر همکاری می‌باشد. البته این همکاری مبتنی بر تفاوت نحوه عملکرد هر یک از این مدیریت‌هاست. همان‌طور که اشاره گردید هدف تطبيق، حصول اطمینان از عملکرد بانک یا شرکت براساس قوانین، مقررات و استانداردها است. در راستای نیل به این هدف، عملکرد تطبيق ناظر به حال و آینده است. بدین معنی که تطبيق راهکارهایی را برای حصول اطمینان از رعایت در بانک پیش‌بینی می‌کند.

حال آن که عملکرد حسابرسی داخلی عمدتاً ناظر به گذشته بوده و بر رعایت و یا نقض مقررات در گذشته نظارت می‌کند.

۷- اهمیت تطبیق

امروزه در روابط تجاری بین‌المللی به‌ویژه روابط کارگزاری بین بانک‌ها، تطبیق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ریسک‌های تطبیق، نقض مقررات و به تبع آن خسارات و جریمه‌های حاصل بر اهمیت تطبیق افزوده است. به‌عنوان نمونه، جریمه‌های گزافی که بانک‌هایی نظیر BNP Paribas، HSBC و غیره در سال‌های اخیر پرداخته‌اند همگی معلول نقض مقررات بوده که مستقیماً به عملکرد تطبیق مربوط می‌شود. به همین جهت است که امروزه شرکت‌ها به‌ویژه بانک‌ها در روابط بین‌المللی خود بسیار محتاط و پیرو نظرات تطبیق می‌باشند. به‌عبارت دیگر، هر چند وجود تطبیق هزینه‌هایی از قبیل جلوگیری از عملیات سودآور با ریسک بالا را به‌همراه دارد، لیکن از هزینه‌های سنگین‌تر بعدی مانند خسارات نقدی و لطمه به شهرت جلوگیری کرده و در حقیقت مسئولیت هیأت مدیره را کاهش می‌دهد.

در روابط تجاری بین شرکت‌ها و یا روابط کارگزاری بین بانک‌ها، عدم رعایت قوانین و مقررات توسط یکی از طرفین به‌طور مستقیم بر طرف دیگر، تأثیر گذاشته و به تبع آن روابط، ریسک‌های حقوقی نیز منتقل می‌شود. به‌همین دلیل است که بسیاری از بانک‌ها و شرکت‌های خارجی به‌علت احتمال انتقال ریسک عدم رعایت مقررات و خسارات بعدی آن، از داشتن روابط تجاری با بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی که فاقد تطبیق می‌باشند، امتناع می‌کنند. به‌عبارت دیگر، از درآمد و سود احتمالی تجاری خود در مقابل خسارات احتمالی ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مانند تحریم شدن به‌علت داشتن روابط تجاری با شخص تحریمی (تحریم ثانویه)، صرف‌نظر می‌کنند که می‌تواند به مراتب سنگین‌تر از درآمد و سود حاصل از آن

رابطه تجاری باشد. به این ترتیب، واحد تطبيق با اطمینان بخشی به طرف‌های خارجی، عاملی ضروری در شروع و تضمین ثبات روابط تجاری می‌باشد. بنابراین در دوره پساتحریم که روابط تجاری گسترش یافته و ریسک‌های حقوقی نیز به تبع آن بیشتر می‌شود، تطبيق نقش مهمی در روابط تجاری ایفا خواهد کرد. به عبارت دیگر، عدم آشنایی با این مفهوم و عدم پیاده‌سازی صحیح آن می‌تواند به‌عنوان نقص و عاملی منفی در روابط بین‌المللی تلقی شده و در بازار جهانی پساتحریم موجب ضرر و انزوای شرکت‌ها و بانک‌ها شود. لذا شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی برای ورود به عرصه تجارت بین‌المللی، ناگزیر به پیروی از عرف جدید بین‌المللی تطبيق خواهند بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تطبيق، از اصول مهم حاکمیت شرکتی و نقش بسیار مهمی در ساختار نظام بانک‌ها دارد. اهمیت این مفهوم در نظام بانکی کشور تا حدودی مغفول مانده که البته پس از رفع تحریم‌ها لزوم توجه به تطبيق نمایان‌تر می‌گردد. به‌طور کلی، تطبيق، حصول اطمینان از رعایت قوانین، مقررات و استانداردها می‌باشد که از منابع مختلفی صادر می‌شوند. نهادهای بین‌المللی نظیر بانک تسویه بین‌المللی، نقش اساسی در شکل‌دهی محیط مقرراتی دارند و در نهایت بر شکل و موضوعات تطبيق تأثیر می‌گذارند. تطبيق طیف وسیعی از موضوعات شامل جرائم مالی نظیر پولشویی و تأمین مالی تروریسم و تحریم‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین مقررات حاکم بر نظام بانکی مانند مقررات احتیاطی نیز تحت پوشش تطبيق قرار می‌گیرند. در راستای اجرای تکالیف محوله، واحد تطبيق مسئولیت‌های مختلفی دارد که مسئولیت نهایی بر عهده هیأت مدیره است. بنابراین تطبيق با نقش هیأت مدیره و نهایتاً بحث حاکمیت شرکتی گره خورده است و می‌توان نتیجه گرفت تطبيق مؤثر می‌تواند به حاکمیت شرکتی مؤثر نیز منتهی گردد.

کتابنامه

انگلیسی

- 1- Agnes Bundy, Catherine Purdo: *Compliance Program Management for Financial Services Institutions in Today's Environment*, The Business Lawyer, Vol 62, No.2, 2007.
- 2- Ansell, Chris. Alison, Josh: *Collaborative governance in theory and practice*, Journal of Public Administration Research and Theory, 543-71.
- 3- *Basel Committee on Banking Supervision*, Compliance and the Compliance Functions in Banks, 2005.
- 4- *Basel Committee on Banking Supervision*, Corporate Governance Principles for Banks, 2015.
- 5- Black, Julia: *Rules and Regulators*, Oxford: Clarendon Press, 1997.
- 6- Agnes Bundy, Catherine Purdon: *Compliance Program Management for Financial Services Institutions in Today's Environment*, The Business Lawyer, Vol 62, No. 2, February 2007, 735-746.
- 7- Krawiec, Kimberly: *Cosmetic Compliance and the failure of negotiated governance*, Washington University Law Quarterly, 2003, 487-544.
- 8- Shamir, Ronen: *Capitalism governance and authority: the case of corporate social responsibility*, Annual Review of Law and Social Sciences, 2010, 531-553.